





سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

نامه بایسنغر

(سال نامه علمی - پژوهشی)

صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی بایسنغر

مدیر مسئول و سردبیر: دکتر خلیل الله افضلی

مدیر داخلی: مسعود امینی

دستیار سردبیر: سیندخت تمنا

پوشه و برگ آرا: حسین علی ابراهیمی

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲ خورشیدی

شمارگان: ۵۰۰ جلد

رویه نامه: عبارت دعایی «هرات صانها الله عن الآفات و النکبات» و نظایر آن نوشته کاتبان گوناگون

نشانی پخش:

■ افغانستان، هرات، شهر نو، ضلع شمالی ارگ، پلاک ۱، ساختمان باغ شهر، مؤسسه پژوهشی بایسنغر

شماره های تماس: ۰۰۹۳۷۹۹۸۳۵۱۹۲ | ۰۰۱۴۲۴۵۰۲۹۳۲۱



شماره سوم نامه بایسنغر با حمایت مالی آژانس کمک و همکاری جمهوری ترکیه (تیکا) در هرات منتشر شده است.



مؤسسہ پژوهشی بایسنغر

نامه بایسنغر

(سال نامه علمی - پژوهشی)

(۳)

۱۴۰۲ خورشیدی

این شماره از مجله در پایگاه اینترنتی مؤسسہ پژوهشی بایسنغر به نشانی زیر قابل دسترس است:

WWW.BAYSUNGHUR.ORG

راه‌نمای نگارش مقاله

۱. مقاله باید حاصل پژوهش علمی نویسنده/نویسندگان دربارهٔ زبان و ادبیات فارسی و تاریخ خراسان کهن با تأکید بر پژوهش‌های مربوط به هرات باشد و در هیچ مجله یا مجموعه‌ای به چاپ نرسیده یا برای آن‌ها ارسال نشده باشد.
۲. مقاله به ترتیب باید شامل چکیده (۵ تا ۸ سطر) کلیدواژه‌ها (حداکثر ۵ واژه)، مقدمه (پرسش تحقیق، پیشینهٔ تحقیق، روش و منابع)، بحث و بررسی و نتیجه باشد و از ۱۵ صفحهٔ A۴، ۲۵ سطر تجاوز نکند.
۳. ارسال چکیدهٔ انگلیسی در صفحه‌ای جداگانه همراه با مشخصات نویسنده یا نویسندگان الزامی است.
۴. منابع مورد استفاده در پایان مقاله و براساس ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسنده به شرح زیر آورده شود:
کتاب: نام خانوادگی، نام، (تاریخ انتشار)، عنوان مقاله (داخل «»)، نام نشریه، دوره/سال، شماره، شمارهٔ صفحات مقاله.
مجموعه‌ها: نام خانوادگی، نام، (تاریخ انتشار)، عنوان مقاله (داخل «»)، نام ویراستار یا گردآورنده، نام مجموعه مقالات، محل نشر: نام ناشر، شمارهٔ صفحات مقاله.
سایت‌های اینترنتی: نام خانوادگی، نام نویسنده، تاریخ استفاده از سایت اینترنتی (داخل «»)، عنوان موضوع (داخل «»)، نشانی سایت اینترنتی.
۵. ارجاعات در متن مقاله به صورت پانویس (نام خانوادگی، نام، نام کتاب یا مقاله، تاریخ انتشار، شمارهٔ صفحه) نوشته شود.
۶. نقل‌قول‌های مستقیم بیش از ۵ سطر در صورت جدا از متن با فرورفتگی (نیم سانتیمتر) از دو طرف درج شود.
۷. توضیحات تکمیلی و معرفی منابع بیشتر در پیوند به موضوعات مختلف، در

یادداشت‌های مقاله ارائه شود.

۸. مقاله بر اساس شیوه‌نامه مؤسسه پژوهشی بایسنقر که در وب‌سایت مؤسسه قابل دسترس است، تنظیم شود. در صورت لزوم، مجله در ویرایش ادبی مقالات بدون تغییر محتوای آن آزاد است.

فهرست

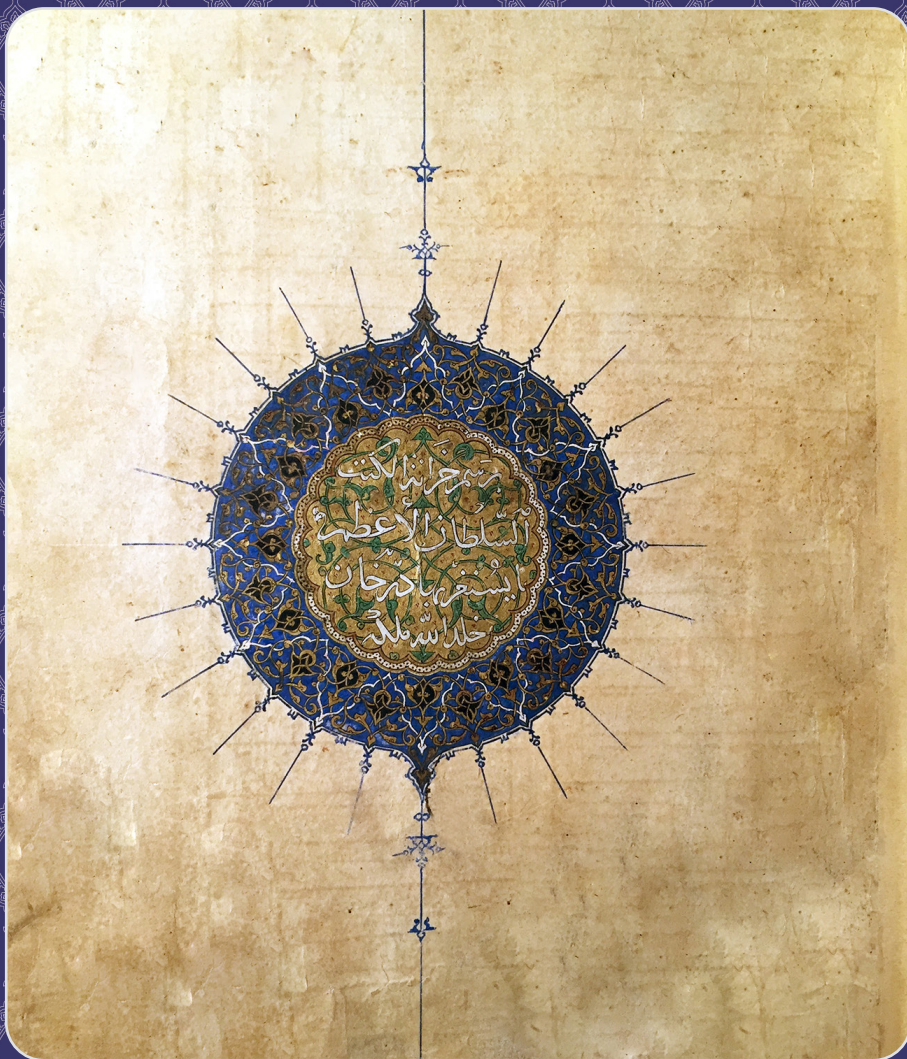
- ۵..... راه‌نمای نگارش مقاله
- ۱۱..... سرنامه
- ۱۷..... **بخش نخست؛ جست‌وجو**
- ۱۹..... پیوند داستان‌سرایی عامه و مذهب عامیانه: بررسی نقش بی‌بی ستی در ابومسلم‌نامه..... دکتر آمنه ابراهیمی
- ۳۹..... معروف بغدادی و نخستین فعالیت‌های کارگاه بایسنغر میرزا..... دکتر شیوا میهن
- ۸۳..... محرّر مجالس العشاق؛ سلطان حسین بایقرا..... دکتر مهدی بیلافی
- ۱۱۱..... آئینه‌شاهی؛ واکاوی اندیشه مولانا حسین واعظ کاشفی در تکوین مکتب سیاسی هرات..... دکتر داوود عرفان
- ۱۳۳..... آگاهی‌های تازه درباره‌ی امیر جمال‌الدین عطاء‌الحسینی..... دکتر خلیل‌الله افضلی
- ۱۷۳..... مقایسه‌ی افسانه‌ها و حکایت‌های مقدمه‌ی شاهنامه‌ی بایسنغری با روایت‌های شفاهی..... دکتر محمد جعفری قنوتی
- ۱۸۵..... پژوهشی در آب‌انبارهای محله‌ی قضاّت در شهر کهنه‌ی هرات..... غلام‌محمد عاصم و دکتر تتسویا اندو | برگردان از انگلیسی: طه آور
- ۲۰۹..... جعفر بایسنغری؛ حیات، هنر و شیوه..... سید امیر منصوری
- ۲۴۷..... اولنگ‌اولنگ، ترانه‌ی مراسم عروسی مردم هرات..... دکتر اسدالله شعور

- آرامگاه محمد غازی در فوشنج ۲۸۱
دکتر برنارد اوکین | برگردان از انگلیسی: سیندخت تمنا
- تکمله‌ای بر مقاله «آرامگاه محمد غازی در فوشنج» و آخرین مرمت این بنا ۳۱۵
سیندخت تمنا
- بخش دوم؛ هرات‌شناسی** ۳۲۷
- تذکرۃ الصالحین یا حصۃ سوم رسالۃ مزارات هرات ۳۲۹
دکتر محمدشعیب مجددی
- مقامات مولانا کلان زیارتگاهی ۳۴۹
دکتر عارف نوشاهی
- دو فرمان سلطان حسین بایقرا در آرشیو ملی افغانستان در کابل ۳۷۷
دکتر شیوان ماهدرا راجا | برگردان از انگلیسی: معصومه نظری
- نگاهی به کتاب مروارید خراسان؛ تاریخ هرات ۴۰۱
رادک سیکورسکی | برگردان از انگلیسی: دکتر سید رضا کاظمی
- نگاهی به کتاب مروارید خراسان؛ تاریخ هرات ۴۰۹
دکتر کریستینا نوله کریمی | برگردان از انگلیسی: دکتر سید رضا کاظمی
- نگاهی به کتاب تاریخ هرات از چنگیزخان تا امیر تیمور ۴۱۳
دکتر شیوان ماهدرا راجا | برگردان از انگلیسی: سید وهاب فروغ طبیبی
- بازتاب اندیشه‌های جامی در آثار منطقه ۴۲۳
دکتر محمد افضلی
- معرفی کتاب قدرت، سیاست و مذهب در ایران عهد تیموری ۴۳۵
دکتر داوود عرفان
- مرواریدی در هرات ۴۴۳
دکتر اسراء السادات احمدی
- کتیبه‌های آبدان مسجد جامع هرات ۴۵۱
دکتر خلیل‌الله افضلی
- از نامه ادبی هرات ۴۵۷
عبدالغفور سنگانی
- جایابی باغ نعمت‌آباد و بناهای بازمانده از آن ۴۶۵
مسعود امینی
- خانقاه پوران ۴۸۷
حمیدالله کامگار

۴۹۵	بخش سوم؛ هریوکان
۴۹۷	پهلوان محمد ابوسعید و ترجمه فارسی رساله حالات پهلوان محمد مقدمه: مسعود امینی برگردان رساله از ترکی جغتایی: احمد حسینی مروی
۵۲۱	بخش چهارم؛ عرضه داشت
۵۲۳	گزارش کاری مؤسسه پژوهشی بایسنغر
۵۳۳	بخش پنجم؛ تازه درگذشتگان
۵۳۵	غلام حیدر اسیر هروی
۵۳۹	محمد آصف فکرت هروی
۵۴۳	فضل الله زرکوب
۵۴۹	دکتر اسدالله حبیب
۵۵۵	عبدالله سمندر غوریانی
۵۶۵	عبدالکریم تمنا
۵۶۹	محمد شاه واصف باختری
۵۸۱	گزارش مختصری از برنامه های بازسازی دفتر تیکا در هرات

نامه بایسنغر، شماره سوم، ۱۴۰۲ خورشیدی

بخش نخست! جست و جو



گلستان سعدی، ۸۳۰ ق.، کتابت جعفر تبریزی، شماره ۱۱۹، per. کتابخانه چستربیتی،
دابلین، ایرلند.

آئینه شاهی: واکاوی اندیشه مولانا حسین واعظ کاشفی در تکوین مکتب سیاسی هرات

دکتر داوود عرفان^۱

چکیده

مولانا حسین واعظ کاشفی یکی از اندیشه‌مندان برجسته زمان تیموریان است. تنوع آثار او در علوم دینی، ادبیات، عرفان، سیاست و علوم غریبه و نجوم، از او شخصیتی چندبعدی ساخته بود که از احترام و جایگاه ویژه‌ای در دربار و جامعه برخوردار بود. واعظ کاشفی رابطه فکری نزدیکی با مولانا عبدالرحمان جامی دارد و یکی از شاگردان بزرگ مکتب او به شمار می‌رود. رابطه نزدیک او با دربار و مردم باعث شده بود که به عنوان نقطه اتصال دربار و مردم تلقی شود. کاشفی از یک سو در منبر وعظ مسجد جامع هرات به اشاعه مفاهیم اساسی مکتب هرات می‌پردازد و از سوی دیگر، رابطه نزدیک او با دربار این امکان را فراهم ساخته تا زمینه عملیاتی شدن مفاهیم اساسی این مکتب را در سامانه سیاسی و قدرت فراهم سازد. کاشفی تنها اندیشه‌مندی است که در دوره تیموریان به صورت مستقل اندرزنامه سیاسی می‌نویسد. او در اندرزنامه/خلاق محسنی سعی کرده تا لب لباب منظومه فکری مکتب سیاسی هرات را بیان دارد. حضور او به عنوان یکی از اضلاع مثلث تولید فکر، در کنار مولانا جامی و امیر علی شیر نوایی، در مناسبات سیاسی و اجتماعی تیموریان، به تکامل مکتب سیاسی هرات کمک کرده است. پرسش اصلی این مقاله این است که چه مفاهیمی از اندیشه واعظ کاشفی وارد منظومه فکری مکتب هرات شده و جهت‌گیری سیاسی او را رقم زده است؟ بررسی آثار واعظ کاشفی نشان می‌دهد که مفاهیمی چون عدل، خرد، حکمت، مصلحت و صلح از اندیشه جامی وارد منظومه فکری او و سپس مکتب هرات شده است.

واژگان کلیدی: واعظ کاشفی، مکتب سیاسی هرات، تیموریان، نقشبندیه، عدل.





مقدمه

دورهٔ تیموریان شخصیت‌های علمی، ادبی، فرهنگی و عرفانی گوناگونی را در عرصه‌های مختلف معرفی کرده‌است. شبکه‌ای از اندیشه‌مندان سراسر فلات ایران^۱ در هرات، پایتخت این امپراتوری مشغول آموزش، وعظ و تولید هنر و دانش بودند. برخی از این اندیشه‌مندان جایگاه برانده‌ای در سیاست و قدرت داشتند. مولانا حسین واعظ کاشفی یکی از شخصیت‌های برجستهٔ آن زمان است که با پیوستن به فرقهٔ عرفانی نقشبندی و آشنایی با مولانا جامی و امیر علی شیر نوایی، توانست خود را در رده‌های اول قدرت دربار مطرح سازد. واعظ کاشفی یکی از دانشمندان پُرکار دوران تیموریان است. از او آثار زیادی در علوم مختلف برجای مانده‌است. او را می‌توان در کنار جامی و امیر علی شیر نوایی یکی از اضلاع مهم دانش و عرفان سیاسی دوران تیموریان برشمرد.

امیر علی شیر نوایی در مورد جایگاه علمی واعظ کاشفی چنین می‌نویسد: «مولانا به غایت ذوفنون و پُرکار واقع شده و کم فتنی باشد که او را در آن دخلی نباشد، خصوصاً وعظ و انشاء و نجوم که حق اوست و در هر یک از این‌ها کارهای مشهور و متعین دارد...»^۲. زین الدین واصفی از او به عنوان یکی از پنج عالم مشهور خراسان نام می‌برد.^۳ سید اصیل الدین عبدالله واعظ آثار او را در بین جمهور عالم مشهور می‌داند.^۴ کاشفی نه تنها واعظی توانا که مفسری بزرگ و از همه مهم‌تر سیاست‌ورزی مهم شمرده می‌شود. او روزهای «جمعه در دارالسیادهٔ سلطانی در چهارسوق بلدهٔ هرات به وعظ مشغول می‌شد و بعد از ادای نماز جمعه در مسجد جامع، امیر علی شیر در لوازم آن کار شرایط اهتمام به جای می‌آورد و در روز شنبه در مدرسهٔ سلطانی وعظ می‌گفت و روز چهارشنبه در سر مزار پیر مجرد، خواجه ابوالولید احمد و ایضاً در اواخر اوقات حیات چندگاه در حظیرهٔ سلطان احمد میرزا روز پنجشنبه به آن امر پرداخت...»^۵.

از معاصرین، ماریا اوا سابتلنی با مقایسهٔ عملکرد واعظ کاشفی با سیوطی دانشمند ایرانی تبار مصری و پیکو دلامیراندولا^۶ دانشمند ایتالیایی دوران رنسانس، او را حافظ و نگهدارندهٔ میراث



1. Binbas, Ilker Evrim, *Intellectual Network in Timurid Iran: Sharaf al-din Ali Yazdi and the Islamic Republic of letters*, 2016.

۲. فخری هروی، لطایف‌نامه؛ ترجمهٔ مجالس النقایس امیر علی شیر نوایی، تصحیح هادی بیدی، ۱۳۹۸، ص ۲۴۰.

۳. واصفی، زین الدین محمود، بدایع الوقایع، دو جلد، تصحیح الکساندر بلدروف، ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۳۱۶.

۴. واعظ، سید اصیل الدین عبدالله، مقصد الاقبال سلطانیه و مرصد الآمال خاقانیه، تصحیح نجیب مایل هروی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۸.

۵. نوایی، عبدالحسین، رجال حبیب السیر، ۱۳۷۹، ص ۲۱۸.

6. Giovanni Pico della Mirandola (1463-1494)



فرهنگی دوران خود و انتقال آن به آینده می‌داند.^۱ کالین پائول میچل^۲ پژوهشگر دیگری حفظ، پاسداری و صدور فرهنگ فارسی را در قرن نهم مرهون زحمات او می‌داند.^۳ مارتا سیمیدچیوا^۴ واعظ کاشفی را سرآمد نثرنویسان فارسی قرن نهم خوانده و او را ستایش می‌کند.^۵ واعظ کاشفی پس از مرگ هم مشهور باقی ماند. کتاب *روضه‌الشهدای* او در مراسم روضه‌خوانی ماه محرم در مناطق فارسی‌زبان همیشه مورد استفاده قرار گرفته‌است. تفسیر حسینی او در مکاتب و حوزه‌های دینی تدریس می‌شد و حتی با استقرار انگلیس‌ها در هندوستان، کتاب *اخلاق محسنی* او در مدارس تدریس می‌گردید. همین کتاب سپس با عنوان *همایون‌نامه* به ترکی ترجمه گردید و نسخه‌ای از آن به لویی چهاردهم فرستاده شد و گالان^۶ آن را به فرانسوی ترجمه کرد.^۷

مولانا واعظ کاشفی مانند جامی و نوایی، در هر دو عرصه، نظریه و عمل سیاسی فعالیت داشته و به نظر می‌رسد که نسبت به دو ضلع دیگر مکتب سیاسی هرات (جامی و نوایی)، اهتمام بیشتری در آموزش دانش سیاسی داشته‌است. *انوار سهیلی و اخلاق محسنی* دو کتاب مهم اندرزنامه‌نویسی زمان تیموریان است که توسط او به نگارش درآمده‌است. این دو کتاب حاوی مباحث مهم اخلاقی - سیاسی است که پس از *سبحة‌الابرار و بهارستان جامی* در بازنمایی آموزه‌های مکتب سیاسی هرات، می‌تواند به عنوان منبع تفکر این مکتب به کار گرفته شود.

در مثلث اندیشه سیاسی هرات می‌توان جامی را پیر، آموزگار و تولیدگر دانش سیاسی پنداشت. نوایی را به عنوان نقطه اتصال آموزه‌های این مکتب در سامانه قدرت تیموریان و واعظ کاشفی را به عنوان اشاعه‌گر آموزه‌های این مکتب و نقطه وصل بین مردم و حاکمیت قلمداد کرد.

چهارچوب پژوهش

جان مارو^۸ اندیشه‌مند بزرگ غربی چهارچوب نظری‌ای به نام غایت - مشروعیت را ارائه

1. Subtelny, Maria E., "Husayn Va'iz-I-Kashifi: Polymath, Popularizer, and Preserver", 2003, Vol. 36, No. 4, P. 463.

2. Colin Paul Mitchell

3. Mitchell, Colin Paul, "To Preserve and Protect: Husayn Va'iz-i-Kashifi and Perso - Islamic Chancellery Culture", 2003, Vol. 36, No. 4, pp. 485-508.

4. Marta Simidchieva

5. Simidchieva, Marta, "Imitation and Innovation in Timurid Poetics: Kashifi's Badā'iy al-afkār and Its Predecessors, al-Mu'jam and Hadā'iq al-sihr", 2003, Vol. 36, No. 4, p. 509.

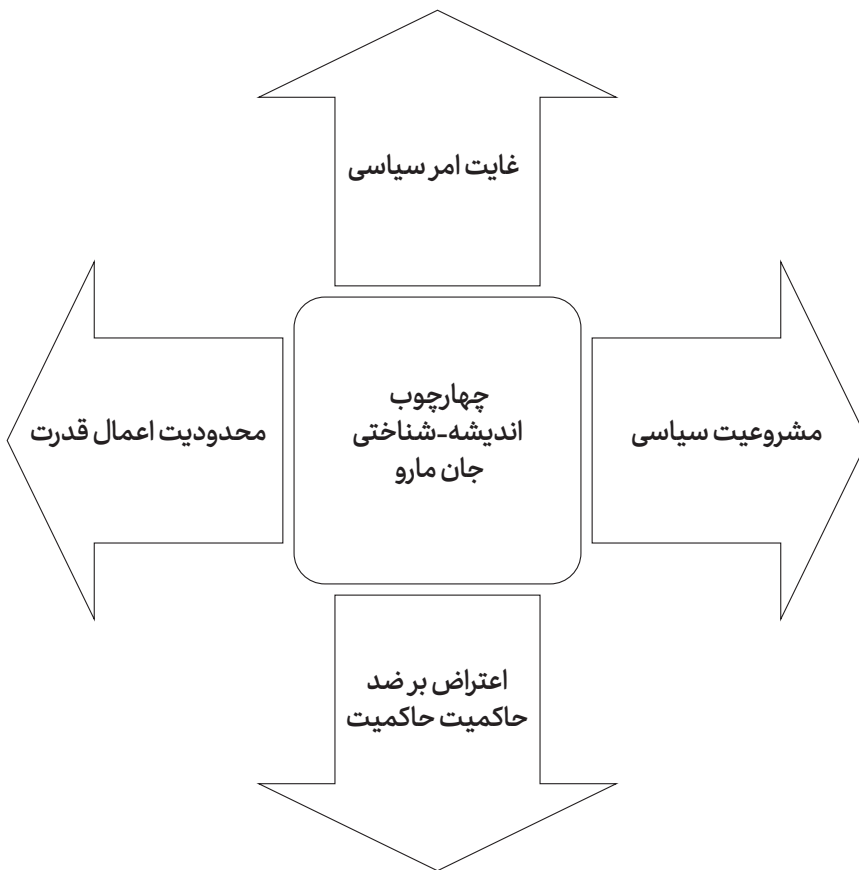
6. Antoine Galland (1646-1715)

۷. خراسانی، محبوبه، «درآمدی بر جایگاه اخلاق محسنی در سیر تدوین کتب اخلاقی»، ۱۳۸۷، ص ۱۳۷.

8. John Marrow

می‌دهد که دغدغه اصلی آن، سنجش روش‌های مطالعه اندیشه سیاسی است. الگوی مارو در پاسخ به چهار پرسش بنیادین ارائه شده است. این پرسش‌ها عبارتند از:

- غایت امر سیاسی چیست؟
- محدودیت‌های اعمال قدرت چیست؟
- مرجع اعمال قدرت کیست؟
- آیا اعتراض برضد حاکمیت مجاز است؟^۱



الگوی جان مارو برای درک بیشتر، نیازمند توضیح بیشتری است. برای فهم بهتر این الگو، لازم است که هر پرسش را جداگانه توضیح داد.

۱. احمدوند، شجاع و اسلامی، روح‌الله، اندیشه سیاسی در ایران باستان، ۱۳۹۷، صص ۳۵ - ۳۶.



غایت امر سیاسی

اندیشه‌مندان علوم سیاسی غایت‌های متفاوتی را برای امر سیاسی در نظر دارند. مارو از سه نوع غایت امر سیاسی از نگاه اندیشه‌مندان مهم سخن می‌گوید: امنیت، آزادی، و شادکامی و رفاه. یکی از مهم‌ترین غایت‌های امر سیاسی، امنیت است که تقریباً در تمام اندیشه‌ها تبلور یافته است. امنیت خود نیازمند نظم است که آن را تضمین نماید. رابطه بین امنیت و نظم یکی از دغدغه‌های اصلی اندیشه‌مندان سیاسی است. جان مارو این دغدغه را این‌گونه توضیح می‌دهد: «نخست؛ نظم مستلزم وجود عاملان نظم‌دهنده برخوردار از قوه قهریه است تا رفتارهای برهم‌زننده ثبات و امنیت جامعه را تنبیه کنند. دوم؛ نظم در سطحی بالاتر، مبنایی است که انسان به واسطه آن می‌تواند به منافع اخلاقی، روانی و مادی نایل شود. سوم؛ نظم در سطح سوم ناظر به بعدی فکری و معنوی است، طوری که دولت ابزار نظم تلقی می‌شود».^۱

غایت دیگر، آزادی‌ای است که بیشتر در اندیشه‌های لیبرالی تبلور می‌یافت. روسو^۲ و هگل^۳ از جمله مدافعان این نظریه‌اند. روسو قرارداد اجتماعی را عامل بازدارنده آزادی می‌داند و بر این باور است که انسان آزاده در بند زنجیر خودساخته خود است که او را به برده‌ای تبدیل کرده است. هگل معتقد است که تنها دولت مدرن (جمهوری) می‌تواند تجسم عینی این آزادی باشد.^۴

سومین گروه؛ غایت شادکامی و رفاه را هدف اصلی سیاست می‌شمارند. افلاطون و هابز^۵ و احیاناً مکتب فایده‌گرایی^۶ و در رأس آن جرمی بنتام^۷ طرفدار این نظریه‌اند. افلاطون فضیلت را که از آن به عنوان خیر یاد می‌نماید، باعث شادکامی می‌داند؛ توماس هابز و بنتام دموکراسی نمایندگی را، راه رسیدن به شادکامی بشر می‌دانند.^۸

مرجع اعمال قدرت

مرجع اعمال قدرت در پاسخ به این پرسش مطرح می‌شود که چه کسی باید حکومت کند؟ فلاسفه مشهور هر کدام در این باره نظرات خاص خودشان را دارند. دسته‌بندی افلاطون،

۱. همان، صص ۳۶ - ۳۷؛ و

Marrow, John, *History of western political thought*, 2005, p. 19.

2. Jean-Jacques Rousseau (1712-1778)

3. Georg Wilhelm Friedrich Hegel (1770-1831)

۴. احمدوند، شجاع و اسلامی، روح‌الله، *اندیشه سیاسی در ایران باستان*، ۱۳۹۷، ص ۲۷.

5. Thomas Hobbes (1588-1679)

6. Utilitarianism

7. Jeremy Bentham (1748-1832)

۸. پولادی، کمال، *تاریخ اندیشه سیاسی در غرب از ماکیاولی تا مارکس*، ۱۳۹۱، ص ۸۳.



ارسطو و منتسکیو^۱ به نوعی به این پرسش پاسخ می‌دهد. اندیشه‌مندان اسلامی صفات خاصی چون تقوا و تمسک به احکام دینی را مرجع مشروعیت خلیفه برمی‌شمارند.

محدودیت اعمال قدرت

جان مارو محدودیت اعمال قدرت را ناظر بر دو قید می‌داند: قیود هنجاری که معیارهایی را برای رفتار حاکمان و توسل زیردستان مشخص می‌کند و قیود نهادی که سازوکارهایی را که اعمال قدرت باید براساس آن صورت گیرد.^۲

حق اعتراض

عموماً «حق اعتراض» با اصلاح‌طلبی و انقلابی‌گری توجیه می‌شود. بسته به این که چه نوع نظامی در یک جامعه وجود دارد، حق اعتراض به رسمیت شناخته می‌شود. در نظام‌های دموکراتیک حق اعتراض برای همگان محفوظ است اما در نظام‌های توتالیتار این اعتراض به صورت عموم ممنوع قرار داده شده است. نظام‌های دینی، بخش کوچکی از جمله خواص دین را، دارای حق اعتراض می‌دانند. در دنیای مدرن حق اعتراض را قوانین اساسی کشورها به رسمیت می‌شناسند.

روش‌شناسی؛ هرمنوتیک کوئنتین اسکینر

کوئنتین اسکینر^۳ یکی از فیلسوفان معاصر جهان است. روش‌شناسی او یکی از جدیدترین روش‌های پژوهش به شمار می‌رود. روش هرمنوتیک اسکینر برای فهم اندیشه سیاسی به کار می‌رود و آن را به زمینه‌گرایی پیوند می‌زند. او این روش را در فهم اندیشه‌های سیاسی ماکیاولی و هابز به کار برده است. اسکینر از قصد مؤلف در متن و زمینه اجتماعی سخن می‌گوید که با مفاهیمی که در متن تولید می‌شود، توضیح داده می‌شود. در هرمنوتیک اسکینر، هر مفهومی می‌تواند در زمینه تاریخی و سیاسی خویش معنایی را تولید کند که در فهم کنش سیاسی مدد رساند. اسکینر دو بُعد قابل تفکیک زبان را یادآور می‌شود: یکی از بعدها به منزله بُعد معنا توصیف شده که به بررسی واژه‌ها و جمله‌ها نظر دارد و دیگری، کنش زبانی توصیف شده است. این بعد عبارت از مطالعه حوزه اموری است که سخنگویان می‌توانند با استفاده از جمله‌ها و واژه‌ها انجام دهند. از دید اسکینر، هرمنوتیک سنتی بر بعد نخستین تأکید داشته



1. Charles Louis de Secondat, Baron de La Brède et de Montesquieu (1689-1755)

2. Marrow, John, *History of western political thought*, 2005, p. 199.

3. Quentin Robert Duthie Skinner



و او بر اهمیت هر دو بعد تأکید دارد.^۱

اسکینر توصیه می‌کند که متن‌های کلاسیک را طوری بخوانیم که گویی آن را یکی از معاصرین ما نوشته است. برای درک بهتر متن، باید نخست مفهوم‌های بنیادین و پرسش‌های ابدی مربوط به اخلاق، سیاست، دین و زندگی اجتماعی را مدّ نظر داشت و سپس آن‌ها را با زمینه اجتماعی آن‌ها مطالعه کرد. اسکینر در تبیین نظریه تاریخی خویش از مفاهیم بنیادین زیادی یاد می‌کند. یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که اسکینر مطرح می‌کند، ویرتو^۲ است. او در کتاب‌های ماکیاولی، *بنیادهای اندیشه سیاسی مدرن و بینش‌های علم سیاست* (جلد دوم)، بسیار سخن گفته است. از دید اسکینر، ویرتو در زمینه مسیحی و بستر رومی دارای دو معنای متفاوت است. در زمینه تاریخی رومی ویرتوس به افراد شجاع رومی خطاب می‌گردد و در بستر تاریخی مسیحیت، ویرتوس به معنی انسان مسیحی معتقد سنتی به کار رفته است.^۳

اسکینر با توجّه و دقت فراوان در معنای ویرتو در بسترهای مختلف زمانی نتایج متفاوتی می‌گیرد. به طور کلی، ویرتو گاهی مبّین حکومت‌هایی است که با دلاوری و مردانگی توسط کسانی چون موسی، کوروش، رومولوس^۴ و تئوس^۵ پایه‌گذاری شده‌اند.^۶ مفهوم بنیادین دیگری که اسکینر به آن توجّه دارد، آزادی است. او در کتاب *هابز و آزادی جمهوری خواهانه*، به واکاوی مفهوم آزادی از دیدگاه هابز در بستر زیست اجتماعی او توجّه کرده است.^۷

به صورت کلی می‌توان گفت که هرمنوتیک قصدگرای اسکینر بر فهم سه موضوع اساسی استوار است؛ به این معنی که قصد نویسنده را می‌توان با دو بحث مهم فهم آثار و متون و فهم زمینه‌های تاریخی، فکری و سیاسی بازنمایی کرد.

برخی هرمنوتیک اسکینر را در فهم اندیشه‌اندیشان مسلمان یاری‌دهنده می‌دانند، زیرا معتقدند که متون دینی نیز در شرایط و زمینه‌های خاص ارائه شده و مانند دیگر متون دارای رقبایی بوده‌اند و به تصرّف در هنجارهای ایدئولوژیک اقدام کرده‌اند.^۸ بنا بر این، هرمنوتیک قصدگرای اسکینر می‌تواند در فهم اندیشه واعظ کاشفی و سایر اندیشه‌مندان که در تکوین این مکتب نقش داشته‌اند ثمربخش باشد، زیرا مفاهیمی که توسط جامی و

۱. اسکینر، کوئنتین، *بینش‌های علم سیاست*، ج ۱ (در باب روش)، ترجمه فریبر مجیدی، ۱۳۹۳، ص ۲۳.

2. virtue

3. Skinner, Quentin, *Machiavelli: A Very Short Introduction*, 1981, p. 33.

4. Romulus

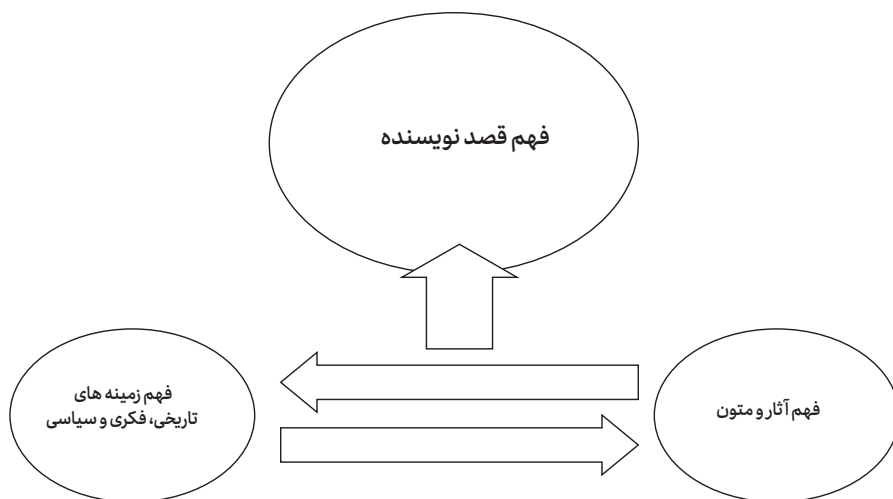
5. Theseus

۶. اسکینر، کوئنتین، *ماکیاولی*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، ۱۳۷۲، ص ۴۶.

۷. همان؛ *هابز و آزادی جمهوری خواهانه*، ترجمه هرمز همایون پور، ۱۳۹۷.

۸. علی‌خانی، علی‌اکبر و همکاران، *روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام*، ۱۳۸۶، صص ۶۷۹ - ۶۸۰.





مریدان دانشمند او از جمله واعظ کاشفی تولید شده، وارد جامعه و سامانه سیاسی زمان او گردیده است. کاشفی واعظ رسمی دربار و واعظ مسجد جامع هرات بود. او در مسجد دربار با شاه و درباریان و در مسجد جامع با عموم مردم سروکار داشت. بنا بر این، مفاهیمی که توسط او تولید شده و یا از جامی عاریت گرفته، به طور همزمان وارد سامانه سیاسی و اجتماعی دوران تیموریان شده و سیاست و اجتماع آن زمان را جهت داده است.

زمینه های باروری اندیشه واعظ کاشفی

اسلام

اسلام نقش مهمی در باروری اندیشه های سیاسی واعظ کاشفی داشته است. اصولاً لقب واعظ به کسانی اعطا می شود که در فهم احکام و آموزه های اسلامی سرآمد باشند. بخش اعظم وعظ او از مفاهیم عمیق دینی نشأت می گرفت، طوری که صاحب کتاب *حبیب السیر* واعظ کاشفی را متبحر در بیان «عبارات لایقه و اشارات رایقه معانی آیات بینات کلام الهی و غوامض اسرار احادیث حضرت رسالت پناهی» خوانده است.^۱ برعلاوه این ها، واعظ کاشفی صاحب تفسیر بزرگ *جواهر التفسیر* مشهور به تفسیر حسینی است. این تفسیر یکی از بزرگ ترین تفاسیر قرآن در اهل سنت شمرده می شود که در مدارس دینی کشورهای اسلامی به آن استناد می گردد. جامع السنین یا تفسیر سورة یوسف، الرسالة العلیه (چهل حدیث)، روضة الشهدا، تحفة الصلوة، ادعیه و اواراد مأثوره و مرصد الانسی فی استخراج اسماء الحسنی^۲ از جمله آثار

۱. خواندمیر، غیاث الدین، *حبیب السیر فی اخبار افراد بشر*، ۱۳۳۳، بخش ۳، ج ۳، ص ۳۴۱.

۲. جوان مهر، حسین، «کتاب شناسی ملا حسین واعظ کاشفی»، ۱۳۸۷، صص ۸۵ - ۱۰۹.



دینی و مذهبی واعظ کاشفی است که تسلط او را بر مسایل دینی نشان می‌دهد. استناد واعظ کاشفی در متن اکثر کتاب‌هایش به آیات قرآنی، احادیث نبوی و تاریخ اسلام، نشان از فهم، تبخّر و تسلط او بر منابع اسلامی دارد. شغل رسمی او که وعظ در مسجد جامع هرات، مسجد امیر علی شیر نوایی و مسجد دربار بوده، اهمیت مقام دینی و مذهبی او را نشان می‌دهد.

عرفان سیاسی نقشبنديه

دوره تیموریان عصر حاکمیت فکری عرفان سیاسی نقشبنديه است. عرفان نقشبندی طرفداران زیادی در خانقاه‌ها، مدارس دینی و در بین توده مردم و مهم‌تر از همه، در دربار داشت. فخرالدین علی، فرزند حسین واعظ کاشفی نوشته‌است که پدرش، سعدالدین کاشغری را در خواب دید و به طلب او از سبزواری به هرات رفت، اما قبل از رسیدن واعظ کاشفی، کاشغری وفات یافته بود و او جامی را به عنوان مرشد این فرقه دریافت و با وجودی که جامی رسماً در سلسله مراتب نقشبنديه ارشاد رسمی فرقه را نپذیرفته بود، اما به واعظ کاشفی راه را نشان داد که چگونه وارد این فرقه شود.^۱

واعظ کاشفی به صورت واضح از عضویت خود در فرقه نقشبنديه سخن نزده اما نقش او به عنوان واعظی که از محضر درس جامی بهره می‌برد، جایگاه او را در این فرقه عرفانی نشان می‌دهد. واعظ کاشفی در مواردی به اشاره جامی سعی در تفسیر برخی آیات بر اساس آموزه‌های نقشبنديه داشته‌است.^۲ او نه تنها واعظ نقشبنديه که از نویسندگان پُرکاری است که از این مکتب الهام گرفته‌است و حتی یکی از کتاب‌هایش را به نام خواجه عبیدالله احرار از رهبران فرقه نقشبنديه نوشته‌است.^۳ او همچنان توانسته بر شخصیت‌های سیاسی دربار، چون امیر علی شیر نوایی تأثیر بگذارد و آموزه‌های نقشبنديه را به او تعلیم دهد.^۴

مذهب حنفی و کلام ماتریدی

تاریخ هرات و مناطق همجوار آن چون سیستان و غور شاهد کشمکش مذهبی بین مذاهبی چون حنبلی، شافعی، کُرّامیه، خوارج و شیعه بوده‌است.^۵ این کشمکش‌ها گاهی با تقابل‌های

۱. کاشفی، فخرالدین علی، *رشحات عین الحیات*، ۱۳۵۶، ج ۱، صص ۲۵۳ - ۲۵۴.

۲. نظامی باختری، عبدالواسع، *مقامات جامی*، ۱۳۷۱، ص ۲۵۳.

۳. فرهانی منفرد، مهدی، *پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان*، ۱۳۸۲، ص ۳۲۰.

۴. باغدار دلگشا، علی، موسوی، سید محمد علی، «تأثیرات متقابل امیر علی شیر نوایی و ملا حسین واعظ کاشفی با تکیه بر نقش جامی به عنوان حلقه واسط آن‌ها»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی اندیشه‌ها، آثار و خدمات امیر علی شیر نوایی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۶.

۵. کلیفورد باسورث، ادموند، *تاریخ سیستان: از آمدن تازیان تا برآمدن دولت صفاریان*، ۱۳۸۸، صص ۱۸۵ - ۱۸۷؛ زمانی،



کلامی همراه می‌شد که طرفداران اشعری با حمایت نظام الملک و اهل حدیث به رهبری خواجه عبدالله انصاری که ذم الکلام را نوشته بود، به اوج رسید. کلام ماتریدی از آسیای مرکزی ظهور کرد و صد سال پس از تأسیس با عبور از بلخ و غزنه تمام خراسان را فراگرفت.^۱ با قدرت‌یابی تیموریان، حنفی‌گری به اوج رسید و به تبع آن، ماتریدیه جای کلام اشعری را گرفت. مذهب حنفی و کلام ماتریدی از دو جهت در هرات اقبال بیشتری یافتند. نخست این که هر دو آسان‌گیری و عقل‌گرایی بیشتری دارند و دوم، هر دو در بستر فرهنگی‌ای رشد یافته‌اند که هرات خود را همیشه در این بستر تعریف کرده‌است. واعظ کاشفی در چنین بستری تربیت شده، رشد نموده و به تألیف و وعظ پرداخته‌است.

ادبیات فارسی

با وجود آن که پنداشته می‌شود که دوره تیموریان دوره‌ای است که کشمکش زبانی بین زبان فارسی و ترکی در آن وجود داشته،^۲ اما زبان فارسی به عنوان زبان رسمی، زبان جمعی^۳ و علم و فرهنگ آن زمان مطرح بوده‌است.

اگرچه نوایی، واعظ کاشفی را تنها با ذکر یک بیت، شاعر خوانده و برخی از نویسندگان، دیوان شعری را به او منسوب می‌دانند^۴ اما با این وجود، بدون تردید او یکی از نویسندگان برجسته آن زمان است که آثار متعددی را در عرصه‌های مختلف علوم از جمله تفسیر، نجوم، اخلاق و سیاست نگاشته‌است. با وجود آن که او به عنوان عالم دین، به زبان عربی تسلط داشته، اما هیچ اثری را به عربی تألیف نکرده‌است. جایگاه او در ادبیات فارسی به حدی است که او را حافظ و گسترش‌دهنده میراث زبان فارسی در عصر انحطاط و دشمنی با زبان فارسی می‌دانند. او نخستین کسی است که روضه‌خوانی مذهبی را از زبان عربی به زبان فارسی تبدیل نمود. روضه‌الشهدا نخستین کتاب فارسی است که سوگواری ماه محرم را به زبان فارسی مروج ساخت.



حسین و دیگران، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره طاهریان، صفاریان و علویان، ۱۳۹۶، صص ۳۰ - ۳۳.

۱. الغالی، بلقاسم، بنیان‌گذار کلام حنفی، درباره زندگی و اندیشه ابومنصور ماتریدی، ترجمه احمدذکی خاوریان، ۱۳۹۷، ص ۵۱؛ جلالی، سیدلطف‌الله، تاریخ و عقاید ماتریدیه، ۱۳۹۸، صص ۱۲۴ - ۱۲۵.

۲. فرهانی منفرد، مهدی، پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان، ۱۳۸۲، صص ۲۲۲ - ۲۲۳.

۳. آرزو، عبدالغفور، دریچه‌ای چند به قلمرو تیموریان هرات، ۱۴۰۱، ص ۱۲.

۴. فرهانی منفرد، مهدی، پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان، ۱۳۸۲، ص ۳۳۷.



هنر

عصر تیموریان را عصر هنر و رمانتیسیم شرقی^۱ نامیده‌اند و مکتب هنری هرات در این عصر به شکوفایی رسیده‌است. هنرمندان بزرگی چون بهزاد در مینیاتور، قوام الدین تبریزی در معماری و میرعلی هروی در خوش‌نویسی در این عصر ظهور کردند. «مشرَب عرفانی نقشبندی» در این دوره که واعظ کاشفی یکی از معتقدان آن به شمار می‌رود، با هنر موافقت داشت و بزرگان این فرقه چون جامی و نوایی با خوش‌نویسی و موسیقی آشنایی داشتند^۲ و حتی گفته شده که جامی شطرنج هم بلد بود.^۳ به طور کلی، هنر در زمان تیموریان در کنار عرفان از شناسه‌های مهم دانشمندان به شمار می‌رفت. با تمام این‌ها، تاریخ در مورد مهارت هنری واعظ کاشفی چیزی ضبط نکرده‌است. مهارت شعر و وعظ را می‌توان دو مهارت هنری او دانست که در زمان خود به آن متّصف بوده‌است.

فلسفه

هرات زمان تیموریان را مرکز عرفان و فلسفه‌ستیز می‌دانند؛ هر چند همیشه گروهی فلسفی در مقابل عرفان در این شهر قد علم کرده و در تاریخ از آنان نام برده شده‌است. جامی، استاد و مرشد واعظ کاشفی، به فلسفه‌ستیزی معروف است اما هیچ کدامشان نتوانسته‌اند در آثار خود از فکر فلسفی عبور کنند. هر دوی آن‌ها در نوشته‌های خود به صورت ناخودآگاه از فلسفه بهره جسته‌اند. واعظ کاشفی با فلسفه آشنایی داشته و بر این اساس گاهی بر طبق ضرورت از آموزه‌های فلسفی بهره برده‌است. او گفت‌وگوی اسکندر با ارسطاطالیس، سوال اسکندر از ارسطو و سفارش‌های ارسطو به اسکندر را در آثار خود آورده‌است.^۴

آموزه‌های ایران باستان

واعظ کاشفی در بستری اسلامی - عرفانی پرورش یافت. مدرسه، مسجد و خانقاه از اماکنی هستند که تربیت و رشد او را شاهد بوده‌اند. این سه مکان اسلامی - عرفانی بیشترین زمان کاری او را به خود اختصاص داده بودند. آثار او مملو از آموزه‌های اسلامی - عرفانی است، اما در کنار این آموزه‌ها، او از آموزه‌های ایران باستان نیز بهره برده‌است. در حوزه سیاست بیشترین تجویز اخلاقی او برگرفته از آموزه‌های ایران باستان است. انوشیروان یکی از پادشاهان

۱. فردریک استار، استیون، ۱۳۹۸، روشنگری در محاق، ۱۳۹۸، ص ۴۴۳.

۲. زارعی، محمد، جامی و هنر، ۱۳۹۷، صص ۵۷ و ۷۰.

۳. افصح‌زاد، اخلاخان، نقد و بررسی آثار و شرح احوال جامی، ص ۹۵.

۴. واعظ کاشفی، کمال الدین حسین بن علی، اخلاق محسنی، تصحیح محبوبه طبسی، ۱۳۹۷، صص ۴۵ - ۴۶، ۸۸ و ۲۰۹.



محبوب واعظ کاشفی است که بارها از عدل، داد و تدبیر او سخن رانده است.^۱ بوذرجمهر (بزرگمهر) از شخصیت‌های دیگری است که او از او نقل قول کرده است. عملکرد پادشاهانی چون فریدون، قباد، اردشیر، خسرو پرویز، هوشنگ، بهرام گور و هرمز بارها در خلال پندهای اخلاقی - سیاسی او عنوان شده است. واعظ کاشفی نه تنها آموزه‌های ایران باستان را به خوبی درک کرده که بسیاری از این آموزه‌ها را به عنوان قواعد ملوک عجم که در عمل تجربه شده، در کتاب /اخلاق محسنی خود برای بهبود سیاست تجویز کرده است.

عناصر هویت‌بخش اندیشه سیاسی واعظ کاشفی در مکتب هرات

عدل

عدل، مفهوم اساسی منظومه فکری واعظ کاشفی است. او با تأسی به آموزه‌های عرفان سیاسی نقشبندی و تمسک به تفکر مراد خود، مولانا جامی، کلیدواژه عدل را در آثار خود به فراوانی استفاده کرده است. واعظ کاشفی باب پانزدهم کتاب /اخلاق محسنی خود را به عدل اختصاص داده و ضمن شرح مبسوطی از حکایات مرتبط به عدالت، در حکایتی از زبان مأمون خلیفه عباسی نقل قول می‌کند که: «فی الواقع نوشیروان مظهر عدل بوده و بر زبان معجزنشان حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم گذشته که متولد شدم در زمان ملک عادل».^۲ واعظ کاشفی در کتاب /انوار سهیلی بارها از مفهوم اساسی عدل سخن گفته است. او در باب اول و در داستان شاه دادگر از پادشاهی حکایت می‌کند که مردم از ظلم او به ستوه آمده بودند، اما بر اثر تصادف به واقعه‌ای برمی‌خورد که راه عدالت‌گستری پیشه می‌کند. در این حکایت شاه به یکی از ملازمانش می‌گوید که:

من آن روز که به شکار رفته بودم به هر طرف می‌تاختم، ناگاه دیدم سگی در عقب روباهی دوید و به دندان استخوان پایش در هم خائید. بیچاره روباه با پای لنگ در سوراخی درگriخت و سگ بازگردید. فی الحال، پیاده‌ای سنگی بینداخت و پای سگ از آن بشکست، هنوز چند گام نرفته بود که اسبی لگد بر آن پیاده زد و پایش شکسته شد و آن اسب نیز پاره‌ای راه قطع ناکرده پایش به سوراخی فرورفت و بشکست. من به خود آمدم و گفتم دیدی که چه کردند و چه دیدند. هر که آن کند که نباید، آن بیند که نشاید (نظم):

نیک بین و بد مکن اظهار	که بد و نیک بازخواهی دید
میل نیکی اگر کنی همه جا	خویش را سرفراز خواهی دید



۱. همان.

۲. همان، ص ۶۷.



ور طریق بدی روی خود را پایمال نیاز خواهی دید^۱

واعظ کاشفی عدل را مفهومی سیاسی می‌داند و معتقد است که پادشاه عادل سایه خدا بر روی زمین است^۲ و در جایی دیگر بیان داشته است که یک ساعت عمر پادشاهی که به دادگستری بگذرد، با شصت سال عبادت برابری می‌کند.^۳

نکته مهم در اندیشه سیاسی واعظ کاشفی این است که او عدل را به عنوان مفهوم قانونی اندیشه خود مطرح می‌نماید و آن را لازمه سیاست و بقای ملک می‌شمارد. عدل به مثابه امر سیاسی در اندیشه او همزمان وارد سامانه سیاسی و جامعه زمان تیموریان می‌گردد، زیرا واعظ کاشفی در مسجد دربار و همچنان در مسجد جامع هرات واعظ رسمی است و وعظ او بین سیاست و جامعه آن زمان پل می‌زند.

شرع

واعظ کاشفی عالم دین و حافظ قرآن است. بنا بر این، طبیعی است که شرع از واژگان کلیدی تفکر او به شمار می‌رود. او علاوه بر این که در آثار دینی به التزام شرع توصیه می‌کند، در سیاست‌ورزی نیز شرع را کانون سیاست‌گری معرفی کرده و از آن‌جا که از دید او ملک و دین توأمان است، رابطه دوگانه سیاست و شریعت را مهم می‌پندارد. از یک سو شریعت را باعث سرافرازی سیاست می‌داند و از سوی دیگر، سیاست را برای محافظت از شریعت ضروری می‌پندارد:

هم شرع ز ملک سربلندی دارد هم ملک ز شرع ارجمندی دارد^۴

کاشفی همچون جامی، سیاست و شریعت را مقوم همدیگر می‌شمارد و دیانت و سیاست از دید او دو روی یک سکه‌اند: «بی قاعده شریعت، هیچ حق در مرکز خود قرار نگیرد و بی ضابطه سیاست کار شرع و دین انتظام نپذیرد. پس سیاست ملوک مقوی شرع باشد و احکام شرع مروج ملک؛ شعر:

سرسبزی نهال سعادت به باغ ملک بی چشمه سار شرع مطهر طمع مدار
لیکن زلال چشمه دین کی شود روان بی سایه سیاست شاهان کامکار»^۵

۱. همان، انوار سهیلی، ۱۳۶۲، صص ۱۰۲ - ۱۰۳.

۲. السلطان العادل ضل الله فی الارض

۳. واعظ کاشفی، کمال الدین حسین بن علی، انوار سهیلی، ۱۳۶۲، ص ۱۸۸.

۴. همان، ص ۲۲.

۵. همان، اخلاق محسنی، تصحیح محبوبه طبسی، ۱۳۹۷، ص ۲۲۸.



مصلحت

واعظ کاشفی هر چند از واژهٔ مصلحت در آثار خویش کمتر استفاده کرده است اما می‌توان آثار او را در زمرهٔ آثاری دانست که مصلحت عمومی را به کارگزاران سیاسی آموزش می‌دهند. او در دیباچهٔ کتاب *انوار سهیلی* این موضوع را واضح ساخته است. کاشفی اساس کتاب *کلیله و دمنه* (*انوار سهیلی*) را حکمت عملی دانسته و در تعریف حکمت عملی آن را سیاستی مصلحت‌مدار پنداشته است: «حکمت عملی عبارت است از دانستن مصالح حرکات ارادی و افعال طبیعی نوع انسانی بر وجهی که مؤدّی باشد به نظام احوال معاد و معاش و مقتضی رسیدن به کمال که متوجّه آنند».^۱

تعریف واعظ کاشفی از سیاست با مصلحت آمیخته است. او زینت ملک و ملت، و مصلحت دین و دولت را در سیاست می‌داند.^۲ مصلحت در دیدگاه واعظ کاشفی مصلحتی دینی است و او صراحتاً بیان داشته که اوامر و نواهی فرستادهٔ حضرت رسول (ص) متعلق به مصالح معاش و معاد آدمیان است.^۳ با این وجود، او تدبیر، حزم و سیاست غیرمسلمانان از جمله پادشاهان ایران و یونان را می‌ستاید و به کارگزاران سیاسی توصیه می‌نماید که از تجربه‌های سیاسی آنان استفاده کنند.

حکمت و خرد

واعظ کاشفی انسان را میوهٔ درخت عالم می‌خواند و لذّت این میوه را حکمت انسان معرفی می‌کند و حکمت از دیدگاه او تمام شدن عقل به فعل است و ثمرهٔ آن در وجود آوردن امور عرفی و عقلی بر تمام‌ترین قاعده و محکم‌ترین بنیاد است.^۴ او سبب تألیف کتاب *انوار سهیلی* را حکمت نهفته در *کلیله و دمنه* می‌داند.^۵ در حکایت‌های فراوانی به خرد و حکمت اشاره می‌کند. در حکایت «موش اسراف‌کار»، «سه ماهی»، «راه فرار از مشکلات به وسیلهٔ تدبیر و دوراندیشی»، «حکایت مرغابی» و «تجربه‌هایی که بنای آن عقل است»،^۶ از خرد و تدبیر فراست سخن می‌گوید. او در جایی دیگر زیب حکومت را به زیور فراست محقق می‌داند.^۷



۱. همان، *انوار سهیلی*، ۱۳۶۲، ص ۹.

۲. همان، *اخلاق محسنی*، تصحیح محبوبه طبسی، ۱۳۹۷، ص ۲۲۸.

۳. همان، *انوار سهیلی*، ۱۳۶۲، ص ۲۲.

۴. همان، *الرسالة العلیه فی احادیث النبویه* (شرح چهل حدیث نبوی)، تصحیح سید جلال الدین ارموی محدّث، ۱۳۶۲، ص ۱۸۰.

۵. همان، *انوار سهیلی*، ۱۳۶۲، ص ۱۲.

۶. همان.

۷. همان، *اخلاق محسنی*، تصحیح محبوبه طبسی، ۱۳۹۷، ص ۲۵۱.



انسان‌گرایی

حسین واعظ کاشفی، شاگرد مکتب جامی در اندرزنامه‌های خود از انسان‌گرایی سخن گفته است. او اخلاق حسنه را باعث گسستن از خوی حیوانی و پیوستن به سرزمین انسانیت می‌داند: «و حکما گفته‌اند که خوی نیک راهی است روشن که جز به ابتهاج آن منهاج به سرمنزل شرف و سروری نتوان رسید و جز به سلوک آن طریق رخت از هاویۀ حیوانیت به دارالملک انسانیت نتوان کشید:

هر که درو سیرت نیکو بود آدمی از آدمیان او بود
نیکی مردم نه نکورویی است خوی نکو مایۀ نیکویی است»^۱

تساهل

تاریخ‌نگاران، دوره تیموریان را دوران تساهل و مدارا خوانده‌اند. این دوره تاریخی کمتر شاهد درگیری مذهبی بوده است و در دارالسلطنه هرات، افکار مذهبی و فلسفی متفاوتی رو در روی هم قرار گرفته بودند. چنین فضایی مرهون سیاست میانه‌روانۀ تیموریان است و این سیاست توسط مشاوران فرهنگی آن دوران از جمله واعظ کاشفی در نظریه و عمل نهادینه شده بود. واعظ کاشفی از دو منظر در ایجاد فضای متساهل آن دوره مؤثر بود؛ نخست، تقیّد به تساهل در گفتار و دوم تقیّد به تساهل در رفتار. او میانه‌روی را عدالت می‌دانست و سیاست عادلانه را مدبّرانه می‌انگاشت: «عدالت عبارت از ملاحظه وسط باشد یعنی مرکز دایره فضیلت که به حکم خیر الامور اوسطها»^۲. واعظ کاشفی در زندگی خود و براساس آموزه‌های عرفانی به اعتدال شهره بود. تساهل مذهبی او چنان بود که در هرات او را سنی می‌خواندند و در بیهق شیعه؛ آثار او چنان از آموزه‌های اخلاقی تساهل مدارانه آکنده است که بسیاری در تعین هویت مذهبی او دچار تردید شده‌اند.

صلح

واعظ کاشفی به عنوان شاگرد مکتب جامی، در نوشته‌های خود در صدد تبیین جامعه‌ای است که در آن صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز با اندرزنامه‌های سیاسی - عرفانی تحقّق پیدا کند. او به تقلید از مرشد خود جامی، تمام تلاش خویش را به خرج می‌دهد که جامعه‌ای سرشار از عدالت و انصاف ایجاد کند و با تولید دانش عرفانی در صدد ایجاد جامعه‌ای است که فتوّت عارفان سرلوحه آن است و آگاهانه یکی از کتاب‌هایش را فتوّت‌نامه سلطانی^۳ نام

۱. همان، ص ۲.

۲. همان، انوار سهیلی، ۱۳۶۲، ص ۲۲.

۳. همان، فتوّت‌نامه سلطانی، تصحیح محمدجعفر محجوب، ۱۳۵۰.



می‌گذارد. واعظ کاشفی در کتاب /اخلاق محسنی که چهل باب در اخلاق حسنه است، در حقیقت صفات جامعه‌ای صلح‌آمیز را بیان می‌دارد که در آن سخاوت و احسان، عفو، صدق، وفای به عهد، مشاورت و تدبیر، نیک‌نامی، رعایت حقوق و عدل، مؤلفه‌های اصلی چنین جامعه‌ای هستند. در منظومه فکر کاشفی صلح به اندازه‌ای ارزشمند است که پادشاهی را گریان به حضور درویشی می‌فرستد تا با او از در صلح درآید:

من امروز کردم در صلح باز تو فردا مکن در برویم فراز
من آن کس نیم کز غرور حشم ز بیچارگان روی در هم کشم
تو هم با من از سربنه خوی زشت که تا سازگاری رود در بهشت^۱

چهارچوب اندیشه سیاسی واعظ کاشفی در مکتب هرات

با عنایت به مطالب فوق‌الذکر در باب مفاهیم کلیدی اندیشه سیاسی واعظ کاشفی می‌توان بر اساس مدل طراح‌ی شده در چهارچوب نظری مقاله به پرسش‌های چهارگانه پاسخ داد که در ذیل بر اساس موضوعات بنیادی نظریه مارو این تبیین صورت پذیرفته است:

غایت امر سیاسی

واعظ کاشفی مانند جامی غایت امر سیاسی را منبعث از احکام شرع اسلام می‌داند. از دیدگاه او باید حکومت، الهی باشد و غایت امر سیاسی برپایی عدل است. او با استناد به آیات قرآن هدف از برپایی حکومت را تأمین عدالت می‌داند، «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»^۲ «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ»^۳ و با تمسک به حدیث نبوی «الْسلطانُ الْعَادِلُ ظِلُّ اللَّهِ يَأْوِي إِلَيْهِ كُلُّ مَظْلُومٍ»، غایت امر سیاسی را برپایی عدل می‌داند:

شاه جائز ملک دین تنهاست جان به تأثیر عدل در تنهاست
عدل مشاطه‌ای ست ملک‌آرای عدل رامشگری ست جان‌افزای
عدل کن زان که در ولایت دل در پیغمبری زند عادل^۴

واعظ کاشفی از این جهت عدل را غایت امر سیاسی می‌داند که: «... مناجح ارباب دین و

۱. همان، /اخلاق محسنی، تصحیح محبوبه طبسی، ۱۳۹۷، ص ۲۸۷.

۲. نمل: ۹۰.

۳. نساء: ۵۸.

۴. واعظ کاشفی، کمال‌الدین حسین بن علی، الرسالة العلیه فی احادیث النبویه (شرح چهل حدیث نبوی)، تصحیح

سید لال‌الدین ارموی محدث، ۱۳۶۲، صص ۲۳۵ - ۲۳۶.



دولت و مصالح اصحاب ملک و ملت به برکت آن قائم و منتظم شود».^۱

مرجع اعمال قدرت

مرجع اعمال قدرت از دیدگاه کاشفی سلطان است که آن را «ظَلَّ الله» می‌داند، اما سلطان هم باید مَتَّصِف به صفات اخلاقی باشد تا بتواند مشروعیت اخلاقی برای کسب این سِمَت را کسب نماید. او بر علاوة عدل، صفات دیگری برای سلطان در کتاب اخلاق محسنی (اندرزنامه شاهي) برمی‌شمارد. فراست، یکی از این شروط است که کاشفی آن را شرط کلی در حکومت می‌نامد و صفات دیگری چون ثبات و استقامت، عزم، جدّ و جهد، عفو، مشاورت و تدبیر، حزم و دوراندیشی، شجاعت، تیقّظ و خبرت و رعایت حقوق را از مهم‌ترین صفات مرجع اعمال قدرت معرفی می‌کند.^۲

محدودیت اعمال قدرت

واعظ کاشفی با قیود هنجاری و قیود نهادی، اعمال قدرت را محدود می‌کند. او چهل باب کتاب اخلاق محسنی را به محدودیت قیود نهادی اختصاص می‌دهد که با تأکید سیاست اخلاقی، سعی در ایجاد محدودیت اعمال قدرت شاهان دارد. در قیود نهادی، او اصناف سياسي را در سه طبقه وزراء، قضاة و مشاوران فرهنگی (اهل علم صاحب منصب) طبقه‌بندی می‌کند و برای هر کدام صفاتی را برمی‌شمارد. او وزیر را شریک و معاون قدرت می‌داند؛ چه در سیاست‌ورزی نیکو و چه در سیاست‌ورزی نامناسب «دأب وزراء آن است که معاونت سلطان کنند، یعنی ایشان را یاری دهند در نمودن راه راست بدیشان ... وزیر مشتق از وزیر باشد یعنی شریک و سهیم سلطان در گناه و وبال». او وزیر را چون ترازویی می‌داند که عملکرد حکومت را توزین می‌نماید و به مثابه پلی می‌شناسد که سَویت میان پادشاه و رعیت را نگاه می‌دارد. کاشفی توصیه می‌کند که مشاوران فرهنگی نباید علم را وسیله جاه و مال سازند و علم را برای عمل خوانند و نه جدل. واعظ کاشفی برای گروه سوم (قضاة) صفاتی چون عالم به دین و دنیا و دوری از رشوه حتمی می‌داند.^۳

حق اعتراض

حق اعتراض مفهومی مدرن است که با حکومت‌های دموکراتیک وارد ادبیات سياسي شده است. بنا بر این، در سیاست پیشامدرن نمی‌توان حق اعتراض را با مفهوم کنونی آن

۱. همان، اخلاق محسنی، تصحیح محبوبه طبسی، ۱۳۹۷، ص ۶۱.

۲. همان.

۳. همان، الرسالة العلیه فی احادیث النبویه (شرح چهل حدیث نبوی)، تصحیح سید جلال الدین ارموی محدّث، ۱۳۶۲،



انتظار داشت. با این همه، واعظ کاشفی اعتراض علیه سلطان را دسته‌بندی می‌کند و برای هر کدام واکنشی عقلاانه را توصیه می‌نماید. از دیدگاه او پنج طبقه در سیاست وجود دارد که سلطان با آن‌ها روبه‌رو می‌شود: نخست؛ کسانی که ذات نیک دارند و نیکی‌شان به مردم می‌رسد، که این طبقه باید تقویت شود. دوم؛ کسانی که نیک‌اند و اما نیکی‌شان به کسی نمی‌رسد. این گروه را باید تشویق بر انجام عمل خیر کرد. سوم؛ گروه میانه‌حالی که نه خیری از ایشان متصور است و نه شری، پس این گروه را باید به خیر دعوت کرد و از شر بازداشت. چهارم؛ گروهی که بد هستند و اما به کسی بدی روا نمی‌دارند. این گروه را باید وادار کرد که دست از بدی بکشند. پنجم؛ گروهی که بد هستند و بدی‌شان به مردم می‌رسد. این گروه را باید با وعده و وعید، تهدید، ضرب و حبس به راه راست واداشت و اگر راه دیگری نبود، به قتل باید رساند.^۱

واعظ کاشفی در کتاب /خلاق محسنی فصلی را به دفع آشرا اختصاص می‌دهد. او اشار را دو دسته می‌داند: واجب الدفع و واجب المنع. او صلاح را در نابودی سه گروه دزدان، رنود خونریز و اوباش فتنه‌انگیز و ستمکاری که قصد مال و منال مسلمانان کند، می‌داند.^۲ از توصیه‌های فوق برمی‌آید که واعظ کاشفی در قبال اعتراض به سیاست حکومت، دو شیوه تنبیه و اصلاح را مدّ نظر دارد. از دید او کسانی که مختل نظم عمومی‌اند باید مجازات شوند و کسانی که به مردم و نظم عمومی آسیبی وارد نمی‌کنند را باید با وعده و وعید و تشویق اصلاح نمود.

نتیجه‌گیری

کمال الدین حسین واعظ کاشفی، یکی از اضلاع مثلث مکتب سیاسی هرات در کنار جامی و نوایی است. او یکی از نویسندگان پرکار دوره تیموریان و شاید تنها شخصیتی است که به صورت مستقل اندرزنانه سیاسی نگاشته است. او نقطه اتصال مردم و دربار در مکتب سیاسی هرات بود، زیرا مفاهیم تولیدشده در سامانه فکری این مکتب را از جامی اخذ می‌کرد و در مساجد و اماکنی که مشتاقان وعظ او گرد هم می‌آمدند، به سمع مردم می‌رساند و با تألیف کتاب‌های گوناگون این مفاهیم را بسط می‌داد. واعظ کاشفی به عنوان یکی از اعضای مهم فرقه نقشبندیه، سیاست تساهل و تسامح را آموخته بود و از آن‌جا که تاریخ شاهان ایران را به خوبی می‌دانست، از آموزه‌های سیاست ایران باستان در اندرزهای سیاسی خود بهره فراوان برده است. واعظ کاشفی مفاهیم مهمی چون عدل، شرع، مصلحت، حکمت و خرد، صلح، انسان‌گرایی و تساهل را از منظومه فکر سیاسی مکتب هرات اخذ کرد و در بسط و گسترش



۱. همان، /خلاق محسنی، تصحیح محبوبه طبسی، ۱۳۹۷، صص ۲۳۲ - ۲۳۳.

۲. همان، صص ۳۱۳ - ۳۲۰.



آن در سامانه سیاسی (دربار) و سامانه اجتماعی (جامعه) تلاش نمود. بر اساس چهارچوب نظری جان مارو، واعظ کاشفی عدل را غایت امر سیاسی می‌داند و مشروعیت سلطان را بدان منوط می‌کند. شاه از دیدگاه او مرجع اعمال قدرت است و این اعمال قدرت منوط به شرایطی چون عدل، ثبات و استقامت، عزم، جدّ و جهد، عفو، مشاورت و تدبیر، حزم و دوراندیشی، شجاعت، تیقّظ و خبرت و رعایت حقوق می‌باشد. از دید او، اعمال قدرت با قیود هنجاری و قیود نهادی محدود می‌شود. قیود هنجاری مجموعه صفاتی است که او در اندرزنامه‌های اخلاقی خود برای سلطان برمی‌شمرد. قیود نهادی را در سه نهاد وزارت، قضاوت و مشاوران فرهنگی دسته‌بندی می‌کند. واعظ کاشفی وزیر را شریک قدرت سلطنت می‌داند و او را به مثابه پلی بین مردم و حاکمیت تلقی می‌کند. برای قضاوت علم و دوری از رشوه را توصیه می‌کند و مشاوران فرهنگی را دارای صفاتی می‌داند که علم را در خدمت مردم قرار می‌دهند. او مخالفان حکومت را به واجب الدفع و واجب النفع دسته‌بندی می‌کند. دسته اول چون دزدان، ستمکاران و اوباش فتنه‌گر را لایق تنبّه، و گروه دوم را سزاوار توصیه و تشویق می‌داند.

منابع

- آرزو، عبدالغفور، (۱۴۰۱)، *دریچه‌ای چند به قلمرو تیموریان هرات*، هرات: فرهنگ سرای عبدالواحد بهره.
- احمدوند، شجاع و اسلامی، روح‌الله، (۱۳۹۷)، *اندیشه سیاسی در ایران باستان*، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- اسکینر، کوئنتین، (۱۳۷۲)، *ماکیاولی*، ترجمه عزّت‌الله فولادوند، تهران: طرح نو.
- _____، (۱۳۹۳)، *بینش‌های علم سیاست*، ج ۱ (درباب روش)، ترجمه فریبر مجیدی، تهران: نشر فرهنگ جاوید.
- _____، (۱۳۹۷)، *هابز و آزادی جمهوری خواهانه*، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران: انتشارات فرهنگ جاوید.
- افصح‌زاد، اعلاخان، (۱۳۷۸)، *نقد و بررسی آثار و شرح احوال جامی*، تهران: میراث مکتوب.
- پولادی، کمال، (۱۳۹۱)، *تاریخ اندیشه سیاسی در غرب از ماکیاولی تا مارکس*، چاپ هفتم، تهران: نشر مرکز.
- جلالی، سید لطف‌الله، (۱۳۹۸)، *تاریخ و عقاید ماتریدیه*، تهران: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- خواندمیر، غیاث‌الدین، (۱۳۳۳)، *حبیب السیر فی اخبار افراد بشر*، ج ۳، چاپ سوم،



تهران: انتشارات خیتام.

- زارعی، محمد، (۱۳۹۷)، جامی و هنر؛ نگاهی به تبلور هنر در شعر جامی و تأثیر اندیشه‌های او در هنر نگارگری دوره تیموری، تهران: انتشارات دستان.
- زمانی، حسین و دیگران، (۱۳۹۶)، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره طاهریان، صفاریان و علویان، چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت.
- الغالی، بلقاسم، (۱۳۹۷)، بنیانگذار کلام حنفی، درباره زندگی و اندیشه ابومنصور ماتریدی، ترجمه احمد ذکی خاورنیا، کابل: نشر کابلستان.
- فخری هروی، (۱۳۹۸)، لطایف‌نامه؛ ترجمه مجالس النفایس امیر علی شیر نوایی، تصحیح هادی بیدکی، تهران: انتشارات محمود افشار.
- فردریک استار، استیون، (۱۳۹۸)، روشنگری در محاق؛ عصر طلایی آسیای میانه از حمله اعراب تا حکومت امیر تیمور، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.
- فرهانی منفرد، مهدی، (۱۳۸۲)، پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان، چاپ دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کاشفی، فخرالدین علی، (۱۳۵۶)، رشحات عین الحیات، دو جلد، ج ۱ و ۲، تصحیح علی اصغر معینیان، تهران: انتشارات بنیاد نیکوکاری نوریانی.
- کلیفورد باسورث، ادموند، (۱۳۸۸)، تاریخ سیستان از آمدن تازیان تا برآمدن دولت صفاریان، ترجمه حسن انوشه، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- الگار، حامد، (۱۳۹۸)، نقشبندی، ترجمه داوود وفاپی، تهران: انتشارات مولی.
- نظامی باخرزی، عبدالواسع، (۱۳۷۱)، مقامات جامی؛ گوشه‌هایی از تاریخ فرهنگی و اجتماعی خراسان در عصر تیموریان، تصحیح نجیب مایل هروی، تهران: نشر نی.
- نوایی، عبدالحسین، (۱۳۷۹)، رجال حبیب السیر، چاپ دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر علمی.
- واصفی، زین‌الدین محمود، (۱۳۴۹)، بدایع الوقایع، دو جلد، ج ۱، تصحیح الکساندر بلدروف، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- واعظ کاشفی، کمال الدین حسین بن علی، (۱۳۹۷)، اخلاق محسنی، تصحیح محبوبه طبسی، تهران: انتشارات زوار.
- _____، (۱۳۶۲)، الرسالة العلّیه فی احادیث النبویه (شرح چهل حدیث نبوی)، تصحیح سید جلال الدین ارموی محدّث، چاپ دوم، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____، (۱۳۶۲)، انوار سهیلی، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیر کبیر.



- _____، (۱۳۵۰)، *فتوت نامه سلطانی*، تصحیح محمدجعفر محجوب، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

- واعظ، سید اصیل الدین عبدالله، (۱۳۸۶)، *مقصد الاقبال سلطانیه و مرصد الآمال خاقانیه*، تصحیح نحب میل هروی، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مقالات

- باغدار دلگشا، علی، موسوی، سید محمدعلی، (۱۳۹۳)، «تأثیرات متقابل امیر علی شیر نوایی و ملا حسین واعظ کاشفی با تکیه بر نقش جامی به عنوان حلقه واسط آن‌ها»، مشهد: نقش حرف خودی؛ مجموعه مقالات همایش بین‌المللی اندیشه‌ها، آثار و خدمات امیر علی شیر نوایی، دانشگاه فردوسی، صص ۲۲۹ - ۲۴۱.

- جوان مهر، حسین، (۱۳۸۷)، «کتاب‌شناسی ملا حسین واعظ کاشفی»، سبزوار: همایش ملی ملا حسین واعظ کاشفی، صص ۸۳ - ۱۲۰.

- خراسانی، محبوبه، (۱۳۸۷)، «درآمدی بر جایگاه اخلاق محسنی در سیر تدوین کتب اخلاقی»، سبزوار: همایش ملی ملا حسین واعظ کاشفی سبزواری، صص ۱۲۱ - ۱۳۸.

منابع انگلیسی

- Binbas, Ilker Evrim, (2016), *Intellectual Network in Timurid Iran: Sharaf al-din Ali Yazdi and the Islamic Republic of letters*, New York: Cambridge University Press.
- Marrow, John, (2005), *History of western political thought*, London: Palgrave Macmillan.
- Mitchell, Colin Paul, (2003), "To Preserve and Protect: Husayn Va'iz-i Kashifi and Perso - Islamic Chancellery Culture", *Iranian Studies*, Vol. 36, No. 4, pp. 485 - 508.
- Simidchieva, Marta, (2003), "Imitation and Innovation in Timurid Poetics: Kashifi's Badā'iy al-afkār and Its Predecessors, al-Mu'jam and Ḥadā'iq al-sihr", *Iranian Studies*, Vol. 36, No. 4, Husayn Va'iz-i Kashifi, pp. 509-530.
- Skinner, Quentin, (1981), *Machiavelli: A Very Short Introduction*, New York: Oxford University Press.
- Subtelny, Maria E., (2003), "Husayn Va'iz-i Kashifi: Polymath, Popularizer, and Preserver", *Iranian Studies*, Vol. 36, No. 4, "Husayn Va'iz-i Kashifi", pp. 463-467.